



واژگونی کامیون در حاشیه بزرگراه در تهران / عکس: ۱۲۵

هشدار هفته

شگرد جدید سارقان منزل

پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره شگرد جدید دزدان خانه هشدار داد. بررسی‌های اخیر پلیس نشان می‌دهد بسیاری از سارقان خودرو در پایتخت در حرکتی هوشمندانه نسبت به تغییر شغل خود اقدام کرده‌اند. شاید این خبر در نگاه اول خواننده را دچار این سوء تفاهم کند که این افراد متنبه شده و به مشاغل شرافتمندانه روی آورده‌اند و تصمیم دارند بعد از این از راه عرق جبین به امرار معاش خود و خانواده‌شان بپردازند. خیرا این افراد نادم و پشیمان نبوده و صرفاً با نگاهی روان‌شناسانه به تجزیه و تحلیل شرایط فعلی جامعه پرداخته و دریافته‌اند در بازار بزهکاری، این روزها برد با سرقت از منازل است که عملاً تبدیل به گاو صندوق‌هایی برای نگهداری و جوه نقد با مقادیر میلیاردی و طلا و سکه و دلار شده‌اند.

سلفی با چوبه دار

انتقام با کمک شوهر سوم

در این ستون سرگذشت قاتلان خبرساز را از زبان خودشان روایت می‌کنیم. این روایت براساس اعترافات آنها در جریان تحقیقات و جلسات دادگاه تنظیم شده است. این هفته سراغ زن جنایتکاری رفتیم که با قتل خواهرشوهر اولش خبرساز شد.

کینه خواهرشوهر اولم بعد جوری در دلم ریشه کرده بود. تنها چیزی که آرامم می‌کرد، انتقام بود. ماجرا به سال ۹۲ برمی‌گردد که شرایط انتقام برایم فراهم شد و با کمک همسر سومم قتل را انجام دادم. بگذارید ماجرا را از ابتدا برایتان تعریف کنم؛ شوهر اولم زمانی که با من زندگی می‌کرد با راهنمایی خواهرش و دخالت‌های او تن به ازدواج دوباره داد. من هم که نمی‌توانستم این وضعیت را تحمل کنم ناچار از او طلاق گرفتم و با مرد دیگری ازدواج کردم، ولی باز هم معصومه - خواهرشوهر اولم - وارد زندگی‌ام شد و آشیانه‌ام را خراب کرد. او باعث شد من اسفند ۹۱ از همسر دومم نیز طلاق بگیرم. بعد از این ماجرا کینه عجیبی از معصومه به دل گرفتم، چرا که فکر می‌کردم او باعث همه بدبختی‌های من است و او را عامل از هم پاشیدن دو زندگی مشترک می‌دانستم به همین دلیل همیشه به انتقام از او می‌اندیشیدم تا این که مهدی به خواستگاری‌ام آمد. او مردی ۳۳ ساله بود و از چند ماه قبل که با هم آشنا شدیم، به من ابراز علاقه می‌کرد، ولی من ماجرای معصومه را برایش بازگو کردم و شرط گذاشتم که اگر می‌خواهد با من ازدواج کند، باید معصومه را از میان برداریم. مهدی هم بدون تامل، شرطم را پذیرفت و این‌گونه در حالی که به تازگی به عقد

پرسش قضایی

باتوجه به پرسش‌های ارسالی خوانندگان تپش درخصوص موضوعات حقوقی از جمله اجرای حکم، حضور در دادگاه و ازدواج بدون اجازه همسر اول کارشناسان حقوقی تپش به سوالات شما پاسخ داده‌اند. مخاطبان می‌توانند پرسش‌های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ زادر همین صفحه بخوانند.

اجرای حکم

تپش: پرونده‌ای در دادگاه داریم که جلسه رسیدگی به آن برگزار شده اما ما هنوز نمی‌دانیم که حکم چطور قرار است اجرا شود. می‌توانید در این باره توضیح دهید؟

پس از صدور حکم و ابلاغ به طرفین، آنها ۲۰ روز وقت دارند که به آنها اعتراض کنند. اگر در این مدت اعتراض کنند پرونده به دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور ارسال می‌شود و با صدور رای در این مرحله، حکم قطعی می‌شود و به شعبه اجرای احکام دادسرا می‌رود و قاضی اجرای احکام اقدامات قانونی برای اجرا را انجام می‌دهد. اگر بعد از صدور رای دادگاه بدوی دو طرف به آن اعتراض نکنند بعد از ۲۰ روز حکم قطعی و به شعبه اجرای احکام ارسال می‌شود.

حضور در دادگاه

تپش: فردی به اتهام کلاهبرداری از من شکایت کرده است اما نمی‌توانم در جلسه دادگاه حاضر شوم. حالا اگر به دادگاه نروم چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

در پرونده‌هایی که جنبه حق الناسی دارد اگر در جلسه دادگاه حاضر نشوید بر اساس ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری برای شما حکم غیابی صادر می‌شود. اگر در رای محکوم شوید ۲۰ روز وقت دارید در همان شعبه واخواهی کنید. اگر در این مهلت واخواهی نکنید، قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر است.

ازدواج بدون اجازه همسر اول



تپش: اگر مردی بدون اجازه همسر اولش ازدواج کند، می‌توان از او شکایت کرد؟

دفاتر ازدواج حق ندارند، بدون اجازه دادگاه، ازدواج مجدد را به ثبت برسانند و اگر شوهر بدون اجازه دادگاه ازدواج مجدد کند و از طرفی آن را به ثبت نرساند، به دلیل عدم ثبت واقعه ازدواج، مجرم محسوب می‌شود و به حبس تا یکسال محکوم خواهد شد. مرد متاهل برای ازدواج دائم نیاز به اجازه دادگاه دارد اما برای ازدواج موقت نیازی به این اجازه نیست.

بسیاری از شهروندان به دلایل مختلف از جمله فرار از مالیات و بی‌اعتمادی به بانک‌ها و... اقدام به نگهداری وجوه نقد و سایر اموال خود به روش غیرقانونی خود به ارزش میلیاردی تومان در خانه‌های خود کرده و خانه خود را به یک گاو صندوق تبدیل می‌کنند و برای فرار از پرداخت گوشه‌ای از درآمدهای خود در قالب مالیات به دولت، تمام اموال خود را به یک شبه به دست سارقان می‌سپارند. رویه‌ای که به شدت به بازار کار سارقان رونق داده و باعث شده سرقت از شیوه سنتی و سخت آن مانند بار زدن اسباب و اثاثیه منزل و یافتن مالخر، تغییر شکل یافته و با حداقل زحمت و حداقل بازدهی سارق منزل شما را در ظرف کمتر از یک ساعت صاحب گنجینه‌ای ارزشمند از طلا و سکه و دلار و میلیاردها تومان وجه نقد کند.

او درآمده بودم، نقشه قتل معصومه را طرح کردیم. با این حال، خانواده‌ام به شدت مخالف ازدواج من با مهدی بودند. آنها می‌گفتند: «او مردی سابقه‌دار و خلافکار است و نباید با او ازدواج کنی! چرا که این زندگی عاقبتی نخواهد داشت.» اما همه وجود من سرشار از کینه و نفرت بود و فقط به مرگ خواهرشوهر اولم می‌اندیشیدم. بالاخره روز انتقام فرارسید. صبح روز دوم تیر ۹۲ طبق نقشه قبلی از معصومه خواستم برای خرید لباس مرا همراهی کند.

او هم قبول کرد و ما در حالی که سوار بر خودروی پیکان سفیدرنگ مهدی بودیم به بهانه خرید به راه افتادیم. تعدادی قرص خواب‌آور را درون شربت متادون حل کردم و به او خوراندیم. وقتی به حالت خواب عمیق مانند بیهوشی فرو رفت، پیکرش را با پیکان مهدی به سمت چاه‌های منطقه خرو نیشابور بردیم و او را دو نفری درون چاه انداختیم.

ماموران پلیس به من مشکوک شدند و خیلی زود دستگیر شدم و راز قتل را فاش کردم. با اعترافات من، هم‌دستم نیز دستگیر شد و او هم به مشارکت در این قتل اعتراف کرد. با این اعترافات پرونده به دادگاه کیفری استان خراسان رضوی ارسال شد و با درخواست اولیای دم و قبول پرداخت تعاضل دیه، حکم قصاص ماصدر شد و سحرگاه یک روز سرد پاییزی در زندان به دار مجازات آویخته شدیم تا پرونده زندگی‌مان برای همیشه بسته شود.